

# علی مطهری، به‌سوی پرواز یا سقوط؟

گروه سیاسی \_ امیرحسین امیرفیض: علی مطهری از نظر دسته‌بندی سیاسی جزء اصولگرایان و یا بهتر بگوییم طیف محافظه‌کار است، محافظه‌کاری که در عمل از وی دیده نمی‌شود. گاهی به خاطر همین عدم محافظه‌کاری از سوی هم‌سنگرانش مورد شتمات، حمله، تهدید، کتک و ضرب و شتم و آسیب رسیدن به اتومبیلش قرار گرفته اما وی همیشه ثابت کرده است که می‌خواهد یک عمل‌گرای به تمام معنی و یک «اصولگرای واقعی» باشد. گاه نظراتش آن قدر نزدیک به اصلاح‌طلبان می‌شود که وی را هم اردوگاهی جدید اصلاح‌طلبان نشان می‌دهد اما... (۴۵۳)



گزارشی به قلم صفر لفتوتی  
گوشت تلخ‌ترین یا شیرین‌ترین نماینده مجلس؟

مطهری ستاره متفاوت سیاست ورزی ایرانی  
رضایبسی روزنامه تکرار

وسوسه‌های جوانی در پیرانه‌سر  
روزنه کریمی روزنامه تکرار



ayatemandegar  
biweekly

چهار صفحه  
قیمت: ۲۰۰ تومان  
No: 6. The first half of Dec. 2015  
Political, Social

دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی  
شماره ۶  
نیمه اول آذر ۱۳۹۴  
سال اول

## سرمقاله

نقد کانون آری، تهمت به نویسندگان هرگز!



امیرحسین مصلی  
سردبیر

نام کانون نویسندگان ایران در اوج و حضیض ایام بیش از آنکه به ادبیات شناخته شود با سیاست گره خورده، البته باید اعتراف کرد این ذات ادبیات ایران‌زمین است که با سیاست درآمیخته چه در دوران کهن که حافظ با رندی محتسبان را به مسلخ نقد می‌برد و چه در دوران معاصر که عارف قزوینی متأثر از جان‌فشانی‌های جوانان مشروطه‌طلب لاله گلگون کفن بر خاک می‌دمید، با این حال توجه به سابقه کانون نویسندگان ایران طی بیش از چهار دهه فعالیتش عقل سلیم را بر آن وامی‌دارد که بگوییم وجه غالب این نهاد صنفی بیش آن‌که با ادبیات به پستی و پلشتی‌های سیاست طعنه بزند، سیاست را به‌سان حزب وارد ادبیات کرده است که این موضوع نه‌تنها بخش قابل‌توجهی از اعضای مطرح‌ش را علیه این کانون شورانده است بلکه نگاه حاکمیت را نیز خاصه پس از انقلاب به عملکرد کانون نویسندگان ایران دچار سوطن‌های فراوانی کرده تا جایی که در ادوار مختلف تاریخی بخصوص در دهه شصت از یک‌سو با اخراج‌ها و استعفا‌های درون‌گروهی به‌مثابه یک تسویه‌حساب سیاسی باعث دوری این کانون از هسته اصلی نویسندگان کشور شد و از سوی دیگر با برخی از موضع‌گیری‌های رادیکال و همسو با نیروهای اپوزیسیون در قبال مسائل و مشکلات کشور سبب آن شد تا نهادهای امنیتی همواره به چشم یک عامل بیگانه به این نهاد صنفی بنگرند، اوج این تقابل را هم می‌توان در پاییز تلخ سال ۱۳۷۷ مشاهده کرد که بجای بحث و گفتگو درباره مسائل مورد اختلاف، دو تن از اعضای کانون نویسندگان ایران به دلیل همین بدبینی‌ها توسط نیروهای خودسر به قتل رسیدند، با این حال حتی اگر بخواهیم بر مبنای قرائت رسمی تحلیلی واقع‌بینان پیرامون قتل‌های زنجیره‌ای ارائه دهیم باید گفت یکی از مصادیق بارز جریان نفوذ که این روزها از تریبون‌های مختلف به‌حق هشدارهایی در باب جلوگیری از آن اعلام می‌شود، ظهور و بروز مغز متفکر این خودسری‌ها یعنی «سعید امامی» بود که از پایگاه جناح راست برخاست و در یکی از ارکان حساس نظام نیز رخنه کرد و نه قلم، اندیشه و تفکر نویسندگان عضو این کانون با تمام نقدهایی که بر آنان وارد است، به امید فصل اعتدال و قانون‌گرایی.

## یادآوری

اهمیت زیارت اربعین در کلام شهید مطهری

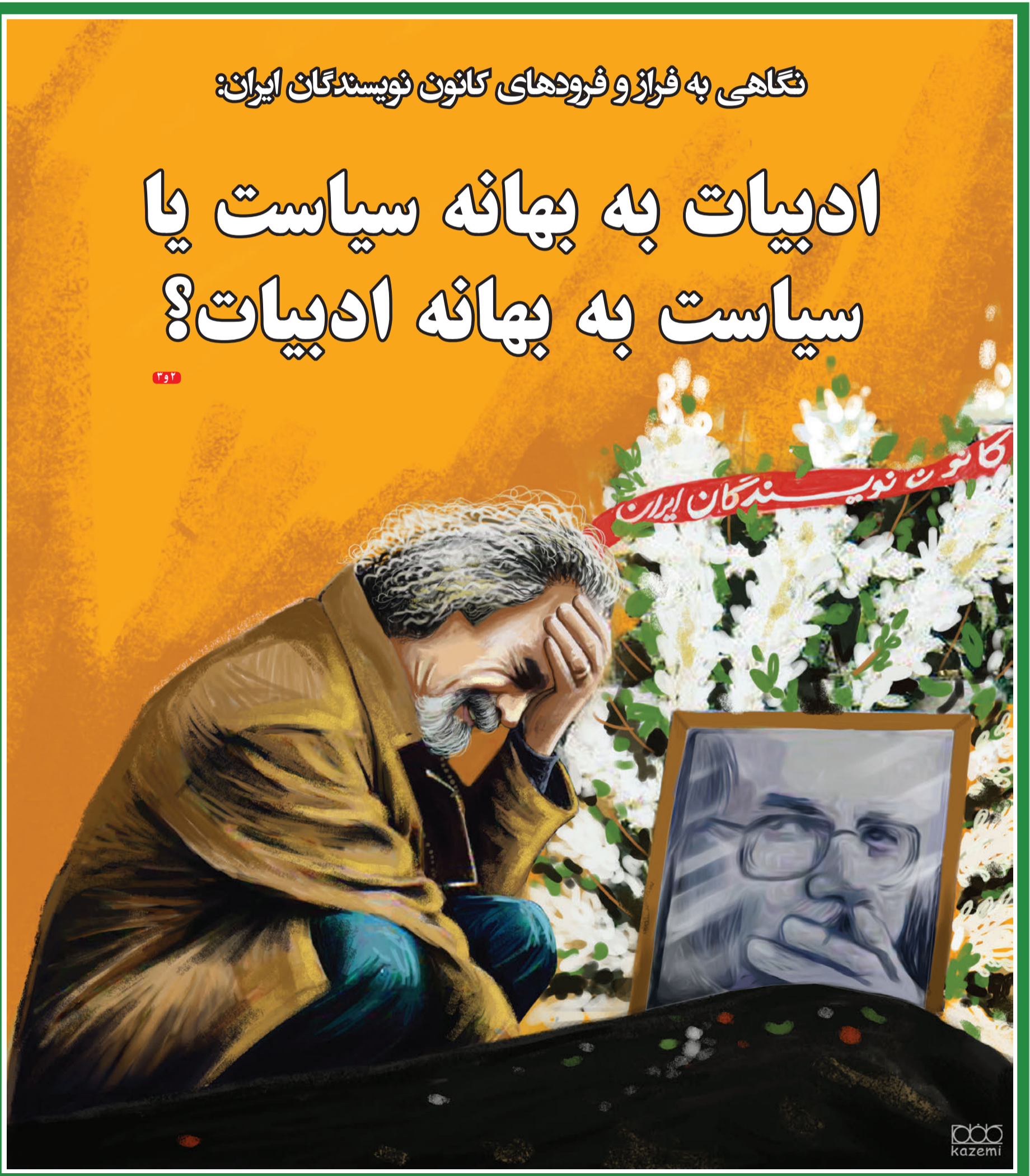
شاید در میان همه ما دو نفر نباشند که زیارت اربعین را به قصد پیوند با حسین بن علی (ع) خوانده باشند یا داستان جابر را از روی تدبیر گوش کرده باشند! ... (۴)



## نگاهی به فراز و فرودهای کانون نویسندگان ایران:

# ادبیات به بهانه سیاست یا سیاست به بهانه ادبیات؟

۳۰۲



**وسوسه‌های جوانی در پیرانه‌سر**



روزنه کیمپی

روزنهانه نگار

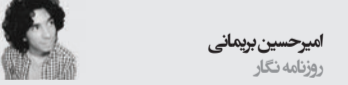
خاله پدربزرگ و مادربزرگ بسیاری از ما چگونه و چپس میان‌سالان روزگار کنونی، هنوز در تهران یا خصوصاً در شهرستان‌ها پابرجاست؛ و البته شاید اسیر رؤیای شوم نوسازی بافت‌های فرسوده شهری شده باشد و جایش را داده باشد به یک برج‌پوارویی شمنلر بر چند جمعه کبریت بدقواره مغرب‌ مغرب چچی و کجا بماند؛ اما فرض کنید که منزل پدربزرگ یا مادربزرگان باهمان وضع وشمایل قدیمی پابرجاست و دست‌نخورده است؛ اما چرا آن حس قدیمی را به ما نمی‌دهد، رفتن به آن منزل یا یادآوردنش؟ از روزهای

قدیمی این منازل و محافل اجنادی کلی خاطره خوب و حس شیرین در یاد ماست؛ از بازی با سرخاله و دختردایی یا دخترعمو و پسرعمه تا مهمانی‌ها و دور همی‌های فامیلی؛ اما حالا هراب سر می‌زنیم به خانه اجنادی‌مان، هوا همان هوا نیست؛ چرا؟ مادربزرگ و پدربزرگ ما یکی این دور عزیز، همان‌جا روی مخته با گذراندن شش، شش‌هفت‌هشت روز و مهربان و اهل عیدی‌دان و شکلات توی جیب ریختن؛ دیوارهای خاله امید خندان و فامیل هم سالم است و فروریزخته؛ حتی بافتچه سبز است و سرحال؛ پس چه چیزی عوض‌شده است که از خاله مادربزرگ و پدربزرگ دیگر بوی اختصاصی به مشام نمی‌رسد؟ آن‌چه منزل اجنادی ما را خاص می‌کرد و به مدینه فاضله بازی بچگی و دورهمی‌بون فامیلی بدل کرد، بچه بودن ما بود؛ و البته دور هم بودن فامیل‌ها، بچه بودن و اهل بازی و بازیگری «گل کوچک» زن یا توپ پلستیکی دو یا سه لایه بود که هرروز عصر به خله اجنادی می‌رفتیم و با بقیه بچه‌های فامیل و نوه‌ها، حالی می‌پردیم. اهل فامیل، دغدغه‌هایی امروزی برحاله می‌انگشتند، دوست داشتند مدام هم را ببینند و توی امیاز اجنادی دود و دود پختنیو راه بیندازند؛ اما امروز، نه در آن خانه بساط گل‌کوچکی به‌یاست و نه مهمانی بی‌تکلف و پرشور و شری درمی‌گردد. پس باید کانون نویسنده‌گان ایران، صلاح فقط یک نام است. ماندگ یک‌خانه، یک‌خانه مثل همه خانه‌های دیگر

و برای ما علی‌السهویه است. حالا این خانه جزئی از زندگی ما واجب ما نیست درحالی‌که حیاط اجنادی در نزدیکی و نوجویی بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات ما بوده است. کانون نویسنده‌گان ایران، صلاح فقط یک نام است. نهادهی که شامش فشرده و یادآور ویدل‌های خالی و آرزاه که برای آن آزادی وچنان و بیان تلاش کرده بودند، حالا اسامی است معامله‌ای روزگاری شوش خنده‌های اجنادی من و شما، البته بر اثر تحول و تطور مقتضیات

زندگی نسل ما و اوضاع پدران و مادران‌مان بوده که به یک‌خانه بی‌تکلف و بی‌کشتن بدل شده است اما کانون برای نسل ما زمانی به یک نام خشک‌خوالی تبدیل شد که زیر سر در لاک مواضع و گرایش خاصی داشت و از کنار سیاسی‌ترین سال‌های دوسه دهه اخیر در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ که پیکار بی‌سابقه و جدیدی در خلال آن بر سر آزادی وچنان و بیان و حق طوطی اجتماعی و رزمی‌سر درگرفته بود، با بی‌تفاوتی معناداری گذشت.کانون نویسنده‌گان ایران با بی‌تکلفی نسل‌های مسوم و غیرمسوم (ما مهمان و میزبانها) را له یا غلبه یک جریان فرافرت، نهادی که قرار بود محیطی دموکراتیک با بیشترین میزان تضارب

### تفحصی



امیرحسین پیرمندی

روزنهانه نگار

دو عرصه سیاست و ادبیات کاملاً آذغام ناپذیرندا در سطح ملی‌هاهی مجمت می‌توان به نشانه‌گذاری جداگانه این دو عرصه تحت واژگان «سیاست» و «ادبیات» اشاره کرد. البته حیطه ارعافی واژگان بسیار گسترده بوده اما استفاده از چرزی دیگر نشات بگیرد بیان معناسه که مقوله سسه پیانگر پیوندهای حقیقی را مورد تازیم داشته و به‌نهایی اقدامات نظری خود را در اینکه کنار بگذارد بلکه بپیوهد به خود دروغ کرده است. میان سیاست و ادبیات داریم، می‌باید سندراری به ایده آل گزایی بی اندیشد و به شرایط موجود علاقمان به ادبیات داخالت ندیم. تا ترکیب بشود ادبیات سیاسی. آنچه از ترکیب سیاست ادبیات، در نظر دریا، تنها احاطه اهداف ممکن و نیسنند بدین تعبیر کاوش در باب دلایل افلاطون برای اخراج شاعران، اموز و پس از چند هزار سال، امری پیوهده برای سیاست و پیوهده لازم برای دستمالی‌شده نیست و شخصاً قصد دارد پیوند

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

- شماره ۶
- نیمه اول آذر ۱۳۹۴

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد



## آیت ماندگار بررسی می کند:

# فراز و فرودهای کانون نویسندگان ایران

آرا و صرفاً در خدمت ادبیات باشد، خیلی زود خود اعتمادزاده، جلال آل‌احمد، سیمین دانشور، پسر پرام، سیمین بهبهانی، کامیابی بی‌حاصل و مکانی برای هجمه به این‌وان، رؤیای مدینه فاضله واری که قرار بود بهشت موعود نویسندگان اهالی قلم شود، خیلی زود بدل به مکانی شد در تضار یک جریان و تفکر خاص که نه‌تنها خدمت‌شایان‌ذکری به ادبیات ایران نکرد که خود باعث ایجاد بسیاری حاشیه‌سازی، تورر شخصیت و حرکت‌های منافی نگرش صنفی و دموکراتیک شد. از بحث اخراج

این سال‌های پرآرزوشیب نواسته به حیات خود ادامه دهنه، نه تمامی که بی‌تک بخش عمده‌ای از آن مدیون حضور این افراد است. بیش‌ازپیش بی به بیراهه رفتن کانون می‌بریم. کانونی که حتی نامهای نام‌اشانی ادبیات که داعیه دلسوزی برای آن را داشت را نیز نتوانست در خود جای‌دهد و با خود همراه کند. در حقیقت هرچه به‌پیش می‌رویم، این نهاد که در ابتدا قرار بود محیطی فرهنگی، صنفی و غیرتفانعی باشد، بیشتر و بیشتر از فرنگ، حرکت‌های صنفی و ادبی خالی و بی‌نیه‌ها را له یا غلبه یک جریان فرافرت، نهادی که قرار بود محیطی دموکراتیک با بیشترین میزان تضارب

### طرح پرشش از کانون نویسندگان:

# ادبیات به بهانه سیاست یا سیاست به بهانه ادبیات؟

دهمیم، برای اعتبارسنجی کتب این قفسه چه معیارهایی در دست خواهیم داشت؟ ادبیات سیاسی از معنای راستین خود هنگامی پذیرد می‌گردد که اثر برای اهدافی مشخص بدید آمده باشد و صرفاً بازنمایی شرایط و بره‌های خاص و بنیاد نیست. البته بل دومان یا فراتر می‌گذارد و ریشه را به‌کلی ساقط می‌کند که چنین امری در توان ادبیات نیست؛ سخن کوتاه متن هنگامی نظریه‌پردازی سیاسی و فلسفه‌سیاست‌نگاری که باشد و به‌اشاره به مباحث ژرف‌تر رایج این مجتد، زمینه را برای دریافت مهر تأیید بر عقیده دومان در اعتقاد عاطفی و اعتقاد فکری، راهگشای ما خواهد بود.
مفولات ادبیات، برخلاف ادبیات، نیازمند پیوهدها فراهم می‌کند؛ اما این متن، ادبیات نیست چراکه قصد دارد طرح پرسش‌های کاملاً را مطرح کند و نقد دومان این متن را نه‌پندید بنویسد!
اگر فرضاً قضیه‌ای برای ادبیات سیاسی اختصاصی

- دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی
- شماره ۶
- نیمه اول آذر ۱۳۹۴

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد



رضایی

روزنهانه نگار

«سیاست پدر ومادر ندارد» این مثل رایج و عوامانه از دیرباز در میان ایرانی‌ها سینه‌به‌سینه چرخیده و نقل محافل و مجالستان بوده، مصداق کاربری‌اش نیز جوانان پرشوروشور یا دوستان و رفقایبی هستند که سری بر سودا و رؤیایی برای نقش‌آفرینی درصحنه سیاسی دارند، بدین‌سان به آنان اخطار و انداز می‌دهند که مبادا دست از پا خطا کنید و به این چاه ویل بفتخید یا اگر هم افتادید حواستان باشد، یاد بروید و آرام گام بردارید که به‌یک‌باره همه‌چیز قمر در عقرب می‌شود. در قالب این پندار دیرین و محافظه‌کاری نهاده‌نمیشه، کمتر راجل سیاسی را در تاریخ ایران می‌یابی که اهل خروش باشد و بی‌تعارف و بی‌محلی سخن بگوید و هزار ملاحظه مرسوم را رعایت نکند. خروشی مردان بی‌پروا در گفتار، راسخ در کردار و رفتار و هجو گزایی های ناموزون سواست- در یک دهه اخیر، صحنه سیاست وزری ایرانی یکی از این مردان بی‌پروا در گفتار، راسخ در کردار و رفتار و نیز متعکف پابرجا در مکتب اخلاق و مدارا را به خود دیده است. آفراده‌ای که برخون مواهب پدر نشسته‌ست و تنها بر حضور در سیاه‌سار وی اکتفا نکرده و خود اکنون در کنار نام بلند معلم انقلاب، مطهری زمانه خویش است. مردی که در میانه رواج بی‌اخلاق‌ها در طیف‌های مختلف صناعی متفاوت صحنه سیاسی ایران طی چند سال اخیر بوده دوست و دشمن به صداقت، حسن نیت، باور

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد



چه اندازه بانی اتفاقاتی نظیر اخلال در برگزاری جلسات و هک شدن و غیره بوده و چگونه می‌توان سر سازش با حاکمیت در سر پروراند و آیا به‌کلی چنین سازشی درخور کانون نویسندگان است یا خیر؟ کانون نویسندگان چنانکه از نامش برمی‌آید و چنین کانونی کلان‌تر از سایر خورده کانون‌های پراکنده در شهرهای مختلف کشور محسوب شود و لازمه چنین امری تحت پوشش قرار دادن انواع استقلال‌های موجود در نوستالژی و عقاید سیاسی، نویسندگان صراحتاً از برخوردی جامع با جامعه گسترده ادبیات چشم پوشیده و صرفاً به بهانه‌های مختلف سیاسی دست به اقدام می‌زده و در بیانات مختلف خود همواره از نگاه تند به حاکمیت خبر راهگشای ما به ادبیات رادیکال نخواهد بود و تکره است؛ و اگر زمانی در اقدامات مبارزاتی خود کوتاهی کرده، به دلیل سانسور شدگی بوده و تغییر و دین در جهت از دست‌یافتن حقوق کانون نبوده است. فرغ از محدودیت‌های موجود، وقت آن رسیده تا کانون نویسندگان نگاهی به عنوان ادبیات‌سیاسی نخواهد بود!ایجاد تمایز میان اعتقاد عاطفی و اعتقاد فکری، راهگشای ما خواهد بود.
مفولات ادبیات، برخلاف ادبیات، نیازمند پیوهدها فراهم می‌کند؛ اما این متن، ادبیات نیست چراکه قصد دارد طرح پرسش‌های کاملاً را مطرح کند و نقد دومان این متن را نه‌پندید بنویسد!
اگر فرضاً قضیه‌ای برای ادبیات سیاسی اختصاصی

- دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی
- شماره ۶
- نیمه اول آذر ۱۳۹۴

## سپیتر



### مطهری ستاره متفاوت سیاست ورزی ایرانی

# آقازاده‌ای بی‌پروا در گفتار

# و راسخ در رفتار



ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

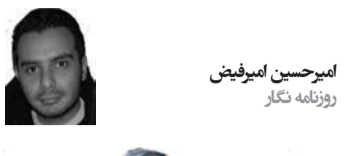
ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد



امیرحسین امیربیض

روزنهانه نگار



علی مطهری، **بمسوی پرواز یا سقوط؟**
امیرحسین امیربیض روزنهانه نگار

علی مطهری از نظر دسته‌بندی سیاسی جزء اصولگرایان و یا بهتر بگوییم طیف محافظه‌کار است، محافظه‌کاری که در عمل از وی دیده نمی‌شود. گاهی به خاطر همین عدم محافظه‌کاری از سوی هم‌سنگرش مورد شمات، حمله، تهدید، کنک و ضرب و شتم و آسیب رسیدن به ائومبیلیش قرار گرفته اما وی همیشه ثابت کرده است که می‌خواهد یک عمل‌گرای به تمام معنی و یک «اصولگرایی واقعی» باشد. گاه نظراتش آن‌قدر نزدیک به اصلاح‌طلبان می‌شود که وی را هم اردوگامی جدید اصلاح‌طلبان نشان می‌دهد اما بازم خود را از آن این جناح نمی‌کند. گویی اصولگرایان یا اصلاح‌طلبان بیشتر به وی نیاز دارند تا او به آنان.

علی مطهری متعلق به یک جریان یا سنگر سیاسی خاصی نیست، همین ویژگی او گامی از وی یک‌راستی محافظه‌کار اصولگرای سنتی

سردش و با یک مویز گرمش نمی‌شود، او لب‌لس و خوشایند این‌وان و نیز آیند و روندهای ذهنی نمی‌کند چون به معنای حقیقی اعتدال‌گراست و با محافظه‌کاری که گاه اعتدال‌گرایی تعریف می‌شود، نسبت و قرابتی ندارد. مردی که چه موافق و چه مخالفش باشیم باید به این ثبات رأی و اصالت باوریش احترام بگذاریم و از یاد نبریم که چنین تک‌سازهایی که در آسمان و فضا سیاسی هنوز خط ثابت خود را بی‌می‌گیرد و همان تکاتی که در سال ۸۸ مورد انتقاد قرار داد از بیوم اخلاقی وزری می‌افتاد.

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

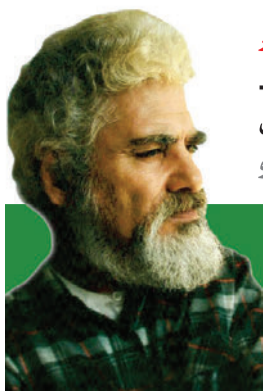
ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد

ادبیات است، چراکه ادبیات به امر واقع نمی‌اندیشد



نشان ماندگار

تنها فرش و درگاه خون آلوده گواه است  
که برهنه پای بر جاده‌ای از شمشیر گذاشته‌ای  
احمد شاملو

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آیتی
- سر دبیر: امیر حسین مصلی
- مدیر هنری: عالیله اعتمادیان
- پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com
- آدرس: تهران - خیابان سئول - کوچه ششم شرقی - پلاک ۲- واحد ۱
- تلفکس: ۴-۸۸۶۱۰۷۰
- چاپ: نقش افست گرافیک
- پذیرش آگهی: ۸۸۶۱۵۸۱۱

### دیدگاه

#### گوشت تلخ‌ترین یا شیرین‌ترین نماینده مجلس؟



صفر لفتوی  
روزنامه نگار

گوشت تلخ‌ترین یا شیرین‌ترین نماینده مجلس نهم! علی مطهری در عالم سیاست، رفیق وفاداری نیست. یار گرمابه و گلستان احمدی‌نژاد در زمان شهرداری تهران به آنجا رسید که در ایام ریاست جمهوری او، در مجلس جهت طرح سؤال از وی، حتی از نمایندگی مردم نیز استعفا داد.

این نماینده که پیش‌تر به اصولگرایان منتسب می‌شد در یک حمله انتقادی به این جناح گفت: اصولگرایی ماهیت واقعی خود را از دست داده و به ابزاری برای وصول و حفظ قدرت، سیاست و ثروت تبدیل شده است. از اینکه به او آقازاده بگویند، خوشش نمی‌آید. وی در اعتراضات به انتخابات سال ۸۸، موضع‌گیری‌هایی اتخاذ می‌کند که بیش از آنکه به برخورد کاسب‌کارانه متهم شود، به عدالت‌خواهی معروف می‌گردد.

از یک‌سو مدیریت بحران را به چالش فرامی‌خواند که چرا در ادامه اعتراض به انتخابات ۸۸ اجازه تجمع به مردم داده نشد و از سوی دیگر راه‌پیمایی ۹ دی را به‌عنوان یک حرکت خودجوش مردمی قلمداد کرده و موردستایش قرار می‌دهد! اعتراض عجیب او نسبت به ساپورت پوشی زنان، در مجلس طوفانی به راه می‌اندازد و نظریه‌ای می‌دهد مبنی بر اینکه حجاب و عفاف برای زنان به همان اندازه سخت است که چشم‌چرانی نکردن برای مردان... اما گاه آدمی می‌ماند که علی مطهری را در کدام طیف و جناح سیاسی و فکری قرار دهد؟! در استکبارستیزی و طرح شعارهای انقلابی و اصرار به ادامه فعالیت در انزوی هسته‌ای، احمدی‌نژاد را می‌ستاید، ولی از سوی دیگر تعامل دکتر روحانی با غرب و مواضع هسته‌ای دولت تدبیر و امید را موردتحمید قرار می‌دهد!

گاهی چنان تیغ انتقاد را از نیام برمی‌کشد که پنداری مطهری چه دل‌شیری دارد، وقتی سپاه را متهم به دخالت در انتخابات می‌کند. حتی بعضی از تحلیل‌گران مطهری را متهم به دلربایی از اصلاح‌طلبان می‌کنند، چراکه بر رفع حصر خانگی از موسوی و رهنورد و کروبی، آن‌هم بدون هیچ محاکمه‌ای اصرار می‌ورزد و نیز برای آزادی زندانیان سیاسی از روحانی می‌خواهد تا گام‌های جدی را بردارد. برخی از اصحاب رسانه‌های داخلی او را مدعی‌العموم طبقه متوسط دانسته و بعضی از رسانه‌های خارجی نیز وی را حامی جدی جریان روشنفکری دینی و اصلاح‌طلبی در ایران می‌دانند.

وی شخص احمدی‌نژاد را هیزم کش فتنه می‌داند، او می‌گوید اگر قرار است موسوی و کروبی محاکمه شوند، احمدی‌نژاد هم باید محاکمه گردد. علی مطهری را باید در زمره نمایندگان جای داد که پرونده‌های راکد و یا در گوشه‌های مانده را هم می‌گشاید! جالب است بدانید که او راجع به مرحوم آیت‌العلی منتظری نیز گفته که نسبت به خدماتش بی‌توجهی شده است.

تیغ انتقاد مطهری به آیت‌المصباح نیز رحم نکرد و وقتی که مصباح نسبت به روحانی انتقاد می‌کند، او در جمع اعضای کاروان حرم امام (ره) واکنش شدیدتری را نشان می‌دهد و به وجود حب و بغض در قضاوت‌های شخصی اشاره می‌کند که به او لقب مطهری زمان را داده‌اند!

ادامه در همین صفحه



### یادآوری

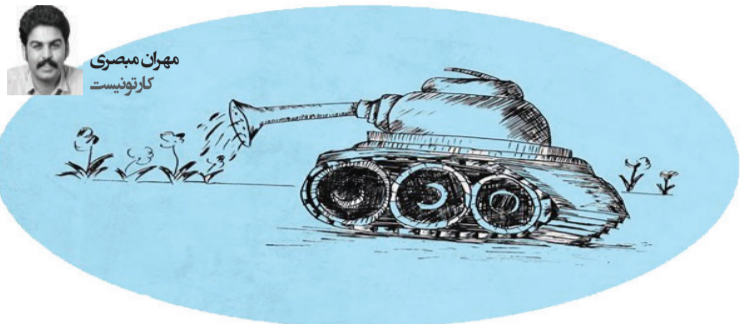
#### اهمیت زیارت اربعین در کلام شهید مطهری

یکی از دلایلی که جامعه ما جامعه مرده است همین جریانی است که ما فعلاً در روز اربعین داریم. در این روز واقعاً دو موضوع مهم داریم که بسیار شایسته اهمیت است. یکی آمدن جابر [به کربلا برای زیارت اباعبدا... علیه السلام] که آمدنش یک تابلوی بزرگ است، و دیگر زیارت اربعین - که الان فرصت شرح آن نیست و باید در وقت دیگری مضمون‌های آن زیارت را برای شما بخوانم - و این سنتی که از دور، از هرجا که هستید حسین بن علی علیه السلام را در این روز زیارت کنید. اینها دو جریان واقعی است. یک جریان ساختگی که در هیچ کتاب معتبری وجود ندارد و تنها در یک کتاب وجود دارد که آن کتاب به اتفاق تمام ارباب مقاتل معتبر نیست این است که در روز بیستم ماه صفر اسراء، اهلبیت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌اهل بیت امام حسین علیه السلام از شام به کربلا می‌آیند. ما آن دو جریان اصیل را بکلی فراموش کردیم. شاید در میان همه ما دو نفر نباشند که زیارت اربعین را به قصد پیوند با حسین بن علی علیه السلام خوانده باشند یا داستان جابر را از روی تدبیر گوش کرده باشند. هرجا که می‌رویم صحبت سر قبر امام حسین علیه السلام آمدند؛ بعد چه شعرها، چه مرثیه‌ها، چه سینه‌زنیها، را می‌پذیرد اما که من



اما اگر تنها بمانند و تنها در پای میکروفن و کاغذ و قلم مجالی برای سخن داشته باشند، می‌مانند! از این‌دست، نمونه‌های دیگر نیز هست مانند دکتر صادق زیباکلام. اما به علی مطهری بازگردیم، به نظر می‌رسد که هم نظام و همه سیاست‌مداران و مردان سیاسی کشور به وجود افرادی چالش‌برانگیز مانند علی مطهری نیازمندند. با انتخاب دکتر روحانی به ریاست جمهوری، اصولگرایی نه‌تنها رویه‌زوال نهاد بلکه دایره اصولگرایان تا آنجا تنگ گردید که حتی ناطق‌نوری را اصلاح‌طلب می‌دانست؛ همین خود نشان پوست‌اندازی جریان اصولگراست که رو به حیات سیاسی جدیدی می‌نهد و بازیگران و مهره‌هایی تازه خواهد یافت؛ مانند زمانی که برادران لاریجانی به مهره‌های جدید جناح راست تبدیل شدند. علی مطهری یکی از افرادی است که در آینده و از قیدوبند تناقضاتی که خود بدان‌ها گرفتار

### تالی



مهران مبصری  
کارتون‌نویس

### ادامه از همین صفحه

#### گوشت تلخ‌ترین یا شیرین‌ترین نماینده مجلس؟



جالب است بدانید که گفته می‌شود علی مطهری تنها نماینده‌ای است که قوه قضائیه دو بار علیه وی اعلام‌جرم کرده است، اما همه این‌ها دلیلی نمی‌شود که وی نیز علیه سخنگوی این قوه موضع‌شدیدی نگیرد. او از ادامه حصر آقایان کروبی و موسوی به‌عنوان حبس ابد نام‌برده و آن را یک حرکت غیرعقلانی که با شرع ناسازگار است می‌داند. می‌توان اظهارنظرهای جنجالی او را مورد واکاوی قرارداد، برخی از آن‌ها در دورانی بیان شده که کسی جرات گفتن چنین حرف‌هایی را نداشته است و او با پشتوانه اینکه سومین فرزند استاد شهید مرتضی مطهری است، توانسته بسیاری از ناگفته‌ها را بگوید. آری علی مطهری یکی از افراطی‌ترین منتقدین دولت‌سازندگی و دولت‌اصلاحات و یکی از بهترین دوستان و یاران احمدی‌نژاد در زمان شهرداری تهران و درعین‌حال منتقد سرسخت بسیاری از سیاست‌های او در دوران ریاست جمهوری به شمار می‌رود. حالا علی مطهری تبدیل به مردی شده که فراوان برمدار عدالت سیر می‌کند و در نزد افکار عمومی به‌عنوان نماینده محبوب شناخته می‌شود، چه بدمان بیاید و چه خوشمان، اصلاح‌طلبان او را تنها تریبونی باید به‌حساب بیآورند که حرفشان را بدون هیچ واژه‌های به زبان می‌آورد و صادق زیباکلام هم او را یک اصلاح‌طلب واقعی می‌داند، اما باید علی مطهری را یک انسان آزاده‌ای دانست که برای آنچه بدان معتقد است هزینه می‌کند، حتی از جانش. حمله به او در شیراز را هنوز افکار عمومی به یاد دارد. علی مطهری برای کشف خود درونش، قدم‌های مهمی برداشت و حالا تبدیل به یک پدیده شده است، هرچند برخی او را سطحی‌نگر و فاقد مزیت برجسته به‌جز آقازاده بودنش می‌دانند، اما علی مطهری سوژه در حال گذر است، او با تحلیل‌های غیرخطی واقعیت‌های موجود در اجتماع را به بوته نقد می‌کشد، اما بدانیم که علی مطهری هرچند یک منتقد جدی است اما او یک اپوزیسیون نیست، بلکه به جریان دموکراسی در کشور خوش‌بین است و به‌هیچ‌عنوان نباید او را یک التقاطی دانست، البته واقعیت‌جانمایی او در جامعه امروز ما، گم‌گشته و کمی آواره است، هرچند بقول یکی از اندیشمندان شاید بزرگ‌ترین ضعف علی مطهری، تقلیل‌گرایی او باشد، اینکه تحلیل و تفسیر و نگاه به موضوعات پیچیده چندوجهی و درهم‌تنیده مناسبات قدرت، در بسیاری از موارد ساده و تک‌ساحتی می‌اندیشد. هرچند او متحزب نمی‌تواند باشد اما اصول‌گرایان بازندگان اصلی درازدست دادن علی مطهری خواهند بود؛ چون جاهلانه او را از قطارشان پیاده کردند و آیا نمی‌دانستند که ماشین‌های لوکس و بسیار گران‌قیمتی منتظر سوار کردنش هستند...؟ هرچند اصول‌گرایان هنوز امید دارند ولی باید در گفتمان مدیران ارشد اصولگرایی هم تحول دیده شود تا این سرشتین گران‌سنگ حالا که از اتمبیلیشان پیاده شده از مسیرشان، دورتر و دورتر نشود.

### مشاوره

#### دشت کرب و بلا

ز سوز شوق دل من همی زند غللا  
دلست همچو حسین و فراق همچو یزید  
شهید گشته به ظاهر حیات گشته به غیب  
اسیر در نظر خصم و خسروی به خل  
میان جنت و فردوس وصل دوست مقیم  
رهیده از تک زندان جوع و رخص و غلا  
اگر نه بیخ درختش درون غیب ملیست  
چرا شکوفه وصلش شکفته است ملا  
خموش باش و ز سوی ضمیر ناطق باش  
که نفس ناطق کلی بگویدت افلا

دیوان شمس مولانا



علی مطهری اکنون بر لبه قله ایستاده، جایی که نمی‌تواند بیش از این در آنجا بماند یا باید ببرد و پرواز کند و در آسمان بدرخشد یا سقوط کند و در اعماق سیاهی دره این قله محو شود، باید منتظر بود.

است رهایی یابد، جریان ساز و تاریخ‌ساز خواهد شد در غیر این صورت شاید تنها نطق‌هایش در دفاتر صورت مجالس باقی بماند و یا تنها یادی از وی در ادهان و انتقادهایش باقی بماند. شاید یکی از دلایلی که تاکنون این اتفاق نیفتاده است عدم قیدوبند وی به جریانات سیاسی کشور و عدم موفقیت در ساخت جریانی مستقل و متعلق به خود است. علی مطهری تا تاریخ‌ساز شدن یک‌قدم فاصله دارد، شاید این قدم در حرکت به چپ یا به راست یا به جلو باشد، شاید پیوند وی با چهره‌هایی چون سید حسن خمینی، اصلاح‌طلبان یا میان‌روها راه را در تاریخ‌سازی‌اش بگشاید و شاید هم ماندن و اصرار بر ساختن جریانی متعلق به خود راهش را بگشاید. به هر حال

